



بیت مبارک حضرت زهراء بیت توحید، تعلیم و تزکیه بود

حضرت آیت الله جوادی آملی با در درس اخلاق اخیر خود گفت: زندگی ذات مقدس صدیقه کبرا یک زندگی قرآنی بود و بیت وجود مبارک فاطمه زهرا(س) بیت توحید، تعلیم و تزکیه بود.

حضرت آیت الله جوادی آملی با در درس اخلاق اخیر خود گفت: زندگی ذات مقدس صدیقه کبرا یک زندگی قرآنی بود و بیت وجود مبارک فاطمه زهرا(س) بیت توحید، تعلیم و تزکیه بود.

به گزارش خبرگزاری مهر: جلسه درس اخلاق حضرت آیت الله جوادی آملی اخیراً در محل بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء برگزار شد.

حضرت آیت الله جوادی آملی در این جلسه به بیان فضائل حضرت فاطمه زهرا(س) و ذکر مصائب آن حضرت پرداختند و فرمودند: بیت وجود مبارک فاطمه زهرا(س) بیت توحید، تعلیم و تزکیه بود؛ یعنی همان کاری که ذات اقدس الهی وظیفه انبیاء(ع) مخصوصاً وجود مبارک حضرت قرار داد، وجود مبارک زهرا(س) در عین خانه‌داری، ذکری که بر زبان مطهرش جاری بود توحید بود و به فرزندش وجود مبارک امام حسن(ع) همین که به حرف آمد و به جایی رسید که کلماتی بفهمد، معالم توحید تعلیم داد.

ایشان ادامه دادند: اصرار صدیقه کبرا(س) این بود که قرآنی زندگی کند؛ حالا آن مقاماتی که در آیه «تطهیر» و «مباهله» هست جای خود دارد.

وی با اشاره به جایگاه رفیع حضرت فاطمه زهرا از منظر آیه مباهله بیان داشتند: سیدناالاستاد علامه طباطبایی بیان بسیار لطیفی در مورد آیه «مباهله» دارد که می‌فرمود اینها تنها همراهان پیغمبر نبودند؛ یعنی اینها همراهان پیغمبر نبودند که عاطفه‌برانگیز باشد؛ برای اینکه آیه‌ای که ذات اقدس الهی درباره مباهله نازل کرد این است که **ثُمَّ تَبْتَهِلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَي الْكَاذِبِينَ**، نه اینکه ما به خدا می‌گوییم خدایا تو لعنت بفرست! بلکه ما این کار را می‌کنیم و لعنت خدا را بر کاذبین قرار می‌دهیم، پس جعل به دست ماست. چه کسی چنین قدرتی دارد؟ یک وقت است ما می‌گوییم خدایا عذابت را بر کافرین، کاذبین و مانند آن نازل کن که این دعاست، اما یک وقت خود ما عذاب الهی را بر دیگران تحمیل می‌کنیم؛ این آیه این را می‌خواهد بگوید، ما اهل بیت این کار را می‌کنیم.

حضرت آیت الله جوادی آملی با بیان این مطلب که زندگی ذات مقدس صدیقه کبرا یک زندگی قرآنی بود، فرمودند: یک وقت است کسی «سبحان الله» می‌گوید و ذکر می‌گوید تا ثواب ببرد، این یک عبادت است؛ اما یک وقت است در همین زندگی روزانه‌اش آیه را تفسیر می‌کند، حدیث را تفسیر می‌کند و فرزندش را با توحید آشنا می‌کند. بنابراین اگر به ما گفتند اسوه شما این ذوات قدسی است؛ یعنی موحدانه انسان زندگی کند و مواظب باشد که درون او سهم خود اوست تا بتواند این سهم را به صاحب سهم دهد؛ به تعبیر دیگران که گفتند او ضمیر زبان‌بسته‌ها را می‌داند، انسان همین را به او تقدیم می‌کند. اگر - خدای ناکرده - این‌جا جای «ولیعجه» باشد، این‌جا جای «بطاته» باشد، این‌جا جای محبت بیگانه باشد، دیگر انسان آلوده را که نمی‌تواند تقدیم به «الله» کند. همین سه طایفه آیات قرآنی را وجود مبارک صدیقه کبرا(س) در زندگی‌اش اعمال می‌کرد.

معظم له در فراز دیگری از فرمایشات خود به بازخوانی بیانات نورانی حضرت امیر(س) در هنگام مراسم دفن حضرت فاطمه صدیقه و چرایی عدم بازپس‌گیری فدک در زمان خلافت حضرت امیر پرداختند و اظهار داشتند: فدک باغی بود که در یکی از نبردها به وجود مبارک پیغمبر(ص) مصلحه شده بود و حضرت هم فدک را به وجود مبارک صدیقه کبرا(س) بخشید و «نحله» بود، برای اینکه دستشان باز باشد و فقرای مدینه مخصوصاً بنی‌هاشم را دریابند. بعد از رحلت حضرت، به بهانه‌های گوناگونی از دست حضرت گرفتند.

ایشان افزودند: الآن اگر سعودی‌ها عاقل باشند و بخواهند از آتش نجات پیدا کنند باید فدک را در اختیار سادات مدینه و مراجع سید قرار دهد که اولاد زهرا آن‌جا را حوزه علمیه درست کنند و مکتب فاطمیه آن‌جا ترویج شود؛ اگر بخواهند از عذاب الهی نجات پیدا کنند، راهش این است.

معظم له اذعان داشتند: حضرت امیر که وقتی قدرت را در دست گرفت، با وجود آن خطبه‌های غزایی خود که فرمود: اگر هفت آسمان را به من بدهند و بخواهند از من که به یک مورچه ظلم کنم نمی‌کنم، ولی نتوانست فدک را استرداد کند و به اولاد فاطمه برگرداند. فدک که برای حضرت امیر نبود که از حق خودش صرف‌نظر کند یا فدک برای ملت نبود تا بگوییم او ولی مسلمین است، فدک برای بچه‌های فاطمه بود و حضرت امیر نتوانست آن را استرداد کند. چرا حضرت امیر نتوانست؟ اگر می‌توانست که یقیناً این کار را می‌کرد، آن هم با آن قدرت. سرش آن است که تنها اوّل و دومی و سومی نبودند، سرش در این خطبه و در این ناله‌های حضرت امیر در هنگام دفن حضرت زهرا مشخص می‌شود، این ناله را توجه کنید که حضرت چه فرمود: نگفت اوّل و دومی و سومی به فاطمه(س) ستم کردند، گفت امت ستم کرد. وقتی امت ستم کند، در برابر ملت کسی نمی‌تواند بایستد؛ لذا خود حضرت وقتی به حکومت رسید نتوانست فدک را برگرداند. چکار کردند که امت را فریب دادند؟! تمام تبلیغات و سخن پراکنیها دست اینها بود.

حضرت آیت الله جوادی آملی در بخش دیگری از سخنان خود به بخش هایی از خطبه فدکیه اشاره کردند و فرمودند: یکی از تلخ‌ترین جمله‌های خطبه فدکیه این است که حضرت رو کرد به اولی فرمود: «أُتَرِثُ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثُ أَبِي» چطور تو از پدرت ارث گرفتی و من از پدرم ارث نمی‌برم؟ آیا در قرآن آیه‌ای هست که تو می‌دانی و من نمی‌دانم؟ اینکه نیست، اگر می‌گویی انبیا ارث نداشتند که سلیمان بن داود، سلیمان پسر او بود دارد وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدُ تو چه می‌گویی که انبیا ارث نمی‌گذارند! مگر سلیمان پیغمبر نبود؟ مگر داود پیغمبر نبود؟ مگر این آیه در قرآن نیست که سلیمان از پدرش ارث برد؟ هر دو هم پیغمبر بودند، پیغمبر ارث نمی‌گذارد یعنی چه؟! مال زیاد نمی‌گذارند، اما همین مختصری که می‌گذارند ارث است. آن جمله تلخ و سوزان این است که چون در اسلام اگر کسی مسلمان باشد و بعضی از فرزندان او - معاذ الله - مسلمان نباشند کافر از مسلمان ارث نمی‌برد فرمود: «هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ» ما را مسلمان نمی‌دانید؟! «هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ» آخر چرا ارث ما را نمی‌دهید؟! او که پیغمبر بود ارث داد، مگر اینکه - معاذ الله - ما را مسلمان ندانید «هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ».

وی در پایان به بیان مراثنی و مصائب حضرت فاطمه زهراء (س) علیها پرداختند.